

تناسب اختیارات و مسؤولیت‌ها شرط لازم ایجاد یا توسعه ظرفیت سیاست‌گذاری از جمله در بازار ارز است. تازمانی که بانک مرکزی در سیاست‌گذاری مجری مصوبات ستاد تنظیم بازار یا حتی مجری دستورات شفاهی تصمیم‌گیران دیگری در دولت باشد و استقلال در رأی نداشته باشد و عملاً سیاست‌گذاری ارزی از یک نهاد متخصص به نهادی غیرمتخصص و بسیار مهم‌تر از آن، غیرپاسخگو در حوزه ارز برون‌سپاری شده باشد، عملاً نمی‌توان شاهد سیاست‌گذاری ارزی کارا و اثربخش بود.

بررسی راهکارهای سامان‌یافتن بازار ارز در کوتاه‌مدت

با دلار چه کنیم؟

تجمیع تمام ارزهای صادراتی در مرکز مبادله، ایفای نقش مدیریت بانک مرکزی در بازار غیررسمی، ایجاد ابزارهای مالی جدید، کنترل‌های ارزی در حوزه ثبت سفارش و ایفای نقش محوری بانک مرکزی در سیاست ارزی از جمله اقدامات مناسب برای سازماندهی بازار ارز است



گروه اقتصادی: اگر بیماری‌های اقتصاد ایران را اولویت‌بندی کنیم، احتمالاً مسأله تورم در صدر این لیست قرار خواهد گرفت؛ موضوعی که دهه‌هاست به یکی از چالش‌های اقتصاد ایران تبدیل شده است. مقام معظم رهبری در ادامه روند سال‌های اخیر، شعار سال جدید را همچنان حول محور اقتصاد با عنوان «مهار تورم و رشد تولید» اعلام کردند؛ موضوعی که نیازمند برنامه‌ریزی جدی و جامع برای تحقق آن است. بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم در ۱۲ ماه منتهی به اسفندماه ۱۴۰۱ به ۴۶.۵ درصد رسیده بود. بر این اساس، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در اسفندماه ۱۴۰۱ به عدد ۷۹۴.۳ رسید که نسبت به ماه قبل (بهمن) ۶.۶ درصد افزایش داشت. همچنین مرکز آمار ایران در گزارش‌های تورم ماهانه سال ۱۴۰۱، تورم بهمن‌ماه را در کل نقاط کشور برابر با ۳.۵ درصد اعلام کرد. از سویی سطح تورم مصرف‌کننده بالا و تورم نقطه‌ای در همین ماه از ۵۳ درصد بالاتر رفته بود. نوسانات قیمت دلار در بازار، احساس نااطمینانی اقتصادی را در بین مردم منعکس می‌کند و همین موضوع انتظارات مردم از قیمت‌ها را تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر، تورم انتظاری یعنی مردم انتظار دارند سطح عمومی قیمت‌ها به چه میزان تغییر کند. یکی از عللی که از نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی تورم نیز یاد می‌شود، ارتباط مستقیم آن با انتظارات عموم جامعه از قیمت‌های آتی است. وقتی این تفکر به وجود بیاید که قیمت محصولی در آینده زیاد می‌شود، خرید مردم افزایش می‌یابد که این امر باعث تقویت سمت تقاضا می‌شود. در پی این اتفاق، روند تورم صعودی شده و قیمت محصول مورد نظر بالا می‌رود. از طرف دیگر کسانی که فروشنده کالایی هستند، وقتی انتظار دارند قیمت‌ها بالا رود، فروش‌شان را کم می‌کنند

مخارجی بیشتر از درآمدهای این نهادهاست. کسری بودجه بخش عمومی کشور بیانگر فزونی مصارف دولت (تقاضای خرج کردن) نسبت به منابع است. وقتی در

بازهای بلندمدت، شرکت‌های خصوصی بیش از توان ایجاد ارزش افزوده خود (شرکت‌های با خالص ارزش حال شده منفی)، از تسهیلات برای مخارج بیشتر استفاده می‌کنند، به معنای تقاضای خرج کردن بیش از تولید است. زمانی که علی‌البداهه، پرداخت‌های هزینه‌ای یک صندوق بازنشستگی بیش از عواید آن (ناشی از سرمایه‌گذاری و سایر درآمدها) باشد، به معنای تقاضای خرج کردن بیش از تولید است. تداوم ناترازی درآمد - هزینه در بازهای بلندمدت تنها با دسترسی فزاینده به اعتبار امکان‌پذیر است. بنابراین همه تقاضاهای مازاد بر تولید کشور (که مجموع ناترازی‌های

یکی از عللی که از نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی تورم نیز یاد می‌شود، ارتباط مستقیم آن با انتظارات عموم جامعه از قیمت‌های آتی است. وقتی این تفکر به وجود بیاید که قیمت محصولی در آینده زیاد می‌شود، خرید مردم افزایش می‌یابد که این امر باعث تقویت سمت تقاضا می‌شود. در پی این اتفاق، روند تورم صعودی شده و قیمت محصول مورد نظر بالا می‌رود.

درآمد - هزینه نهادهای اقتصاد است) با استفاده از خلق نقدینگی توسط نظام بانکی بالغ می‌شود. نهادهای ناترازی که واجد اهمیت سیستمی هستند یا وابسته به نهادهای دارای قدرت خلق اعتبار هستند، خواهند توانست به‌رغم

سیاست نیز عقب‌نشینی کند و از خلط سیاست ارزی با سیاست رفاهی و حمایتی بپرهیزد و برای هر یک برنامه مجزایی داشته باشد. علاوه بر این زمینه معامله ارز نفتی

شرکت‌های دولتی، صادرکنندگان عمده و غیرعمده و تقاضاهای قانونی (تجاری و غیرتجاری) اعم از حواله (خارجی) حاصل از ارزهای نفتی پوشش داده می‌شد اما حال که ارزهای نفتی برای پوشش این ناترازی‌ها کفایت نمی‌کند، کاهش تقاضای خرج کردن، امری ناگزیر است. این کاهش تقاضای خرج کردن، با افزایش سطح قیمت‌های تولیدات خارجی و داخلی با همان افزایش نرخ ارز و تورم عنوان ریشه بلندمدت کاهش ارزش پول ملی، امری زمانبر و نیازمند اراده تمام ارکان حاکمیت و جامعه است اما نباید تصور کرد که بدون حل آنها می‌توان شاهد جلوگیری از روند صعودی نرخ ارز اسمی بود.

تجمیع تمام ارزهای صادراتی و بانک مرکزی در مرکز مبادله ارز بدون مداخله قیمتی
اعلام ارز ترجیحی و تک نرخ ۲۸۵۰۰ تومان با هدف جلوگیری از افزایش قیمت کالاها، اساسی و اعمال سقف قیمتی در نیما یکی از عوامل ایجاد وضعیت فعلی است. بنابر این دولت به همان دلایلی که اردیبهشت‌ماه سال گذشته اقدام به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی کرد، از این

سیاست نیز عقب‌نشینی کند و از خلط سیاست ارزی با سیاست رفاهی و حمایتی بپرهیزد و برای هر یک برنامه مجزایی داشته باشد. علاوه بر این زمینه معامله ارز نفتی شرکت‌های دولتی، صادرکنندگان عمده و غیرعمده و تقاضاهای قانونی (تجاری و غیرتجاری) اعم از حواله (خارجی) حاصل از ارزهای نفتی پوشش داده می‌شد اما حال که ارزهای نفتی برای پوشش این ناترازی‌ها کفایت نمی‌کند، کاهش تقاضای خرج کردن، امری ناگزیر است. این کاهش تقاضای خرج کردن، با افزایش سطح قیمت‌های تولیدات خارجی و داخلی با همان افزایش نرخ ارز و تورم عنوان ریشه بلندمدت کاهش ارزش پول ملی، امری زمانبر و نیازمند اراده تمام ارکان حاکمیت و جامعه است اما نباید تصور کرد که بدون حل آنها می‌توان شاهد جلوگیری از روند صعودی نرخ ارز اسمی بود.

تجمیع تمام ارزهای صادراتی و بانک مرکزی در مرکز مبادله ارز بدون مداخله قیمتی
اعلام ارز ترجیحی و تک نرخ ۲۸۵۰۰ تومان با هدف جلوگیری از افزایش قیمت کالاها، اساسی و اعمال سقف قیمتی در نیما یکی از عوامل ایجاد وضعیت فعلی است. بنابر این دولت به همان دلایلی که اردیبهشت‌ماه سال گذشته اقدام به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی کرد، از این

کنترل تورم با نقدینگی و ارز

تورم در کشور شود؛ بنابراین توجه و اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب و همچنین توجه ویژه به مسأله ثبات نرخ واقعی ارز در کشور باید مورد توجه ویژه سیاست‌گذاران قرار گیرد. از سوی دیگر رشد بی‌رویه نقدینگی نیز باعث رشد سریع تقاضا برای کالاها و خدمات شده و از آنجا که در کوتاه‌مدت عرضه کالا و خدمات محدود است، این امر منجر به ایجاد تورم در اقتصاد می‌شود. لذا کنترل حجم نقدینگی باید هدف اصلی دولت‌مدان برای رسیدن به اهداف کلان اقتصادی مثل ایجاد رشد در تولیدات، کنترل تورم، ایجاد موازنه در پرداخت‌های خارجی و ایجاد اشتغال باشد.

در واقع کنترل نقدینگی به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف نهایی اقتصاد است. به این منظور حجم نقدینگی به گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود که با حمایت از رشد تولیدات داخلی در حد ظرفیت‌های تولیدی از بروز تورم جلوگیری کند. مقامات پولی کشورها با استفاده از سیاست‌های پولی رشد نقدینگی را تحت کنترل قرار می‌دهند.

تورم، یکی از حادترین مشکلات اقتصادی در سال‌های گذشته بوده است. رشد تورم به عوامل متعددی بستگی دارد و مولفه‌های متفاوتی می‌تواند بر رشد تورم تأثیرگذار باشد. در این میان ۲ مولفه مهم رشد نقدینگی و رشد نرخ ارز از می‌توان از مهم‌ترین عوامل موثر بر رشد تورم دانست. طبق داده‌های بانک مرکزی حجم نقدینگی ایران در پایان سال ۱۴۰۰ برابر با ۴ هزار و ۸۲۲ هزار میلیارد تومان بود. این رقم بر اساس آخرین داده‌های آماری بانک مرکزی در پایان دی‌ماه سال ۱۴۰۱ با بیش از ۲۸ درصد رشد به رقم ۶ هزار و ۳۶ هزار میلیارد تومان رسید. نرخ ارز نیز سال ۱۴۰۱ رشد بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. بر این اساس، ارز که در ابتدای سال گذشته با نرخ ۲۷ هزار و ۷۵۰ تومان در بازار معامله می‌شد، در پایان سال گذشته با بیش از ۷۶ درصد رشد به قیمت ۴۹ هزار تومان در بازار خرید و فروش شد. مقایسه نرخ ارز فروردین‌ماه سال گذشته با فروردین‌ماه سال جاری نیز نشان می‌دهد نرخ ارز با رشد ۸۳ درصدی در سال ۱۴۰۲، از ۲۷ هزار و

صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند با توجه به نقش دوگانه نرخ ارز در اقتصاد هر کشور، افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی)، قدرت رقابت کشور را در بازارهای خارجی بهبود می‌بخشد و باعث توسعه صادرات و کاهش سطح قیمت‌ها در کشور می‌شود اما همین امر می‌تواند در صورتی که امکان توسعه صادرات وجود نداشته باشد، سبب افزایش سقف قیمت‌ها در نتیجه

نوسانات شدید نرخ ارز حاصل انتظارات تورمی

رفع تعهد ارزی نکرده‌اند کماکان به این تخلف ادامه دهند یا صادرکنندگان دیگری نیز به جمع متخلفان افزوده شود، می‌توان گفت کسری حساب جاری حاوی کم برآوردی از میزان کسری ارزی کشور است و بویژه در شوک‌های ارزی به دلیل کندتر شدن روند بازگشت ارز، نتایج ارزی کشور بسیار بیشتر از آن چیزی خواهد بود که کسری حساب جاری نشان می‌دهد. با این توضیح، ایجاد مکانیزم انگیزشی برای بازگشت سریع ارزهای حاصل از صادرات در شوک‌های ارزی یک ضرورت حائز اهمیت فوق‌العاده است. با این وجود، سیاست‌های ارزی دولت در واکنش به این تلاطمات که می‌توان عصاره آن را «ثبات نرخ ارز رسمی» معرفی کرد، موجب تضعیف بازار رسمی، عمق بخشیدن به بازار غیررسمی، کاهش سرعت بازگشت ارز و افزایش مضاعف تقاضای واردات شد و خود به عاملی برای افزایش مداوم نرخ و رساندن آن به سطوح غیر قابل باور ۶۰ هزار تومانی تبدیل شد.

از مزاد تقاضای ارز در ماه‌های پیش رو تلقی می‌شد. همین موضوع علت اصلی مخالفت با هرگونه واردات بیشتر از جمله واردات خودرو بود. با این همه در ابتدای نیم‌سال دوم به صورت رسمی برخی تقاضاهای جدید (واردات خودرو) اعلام شد. افزایش واردات به صورت کلی و بویژه اعلام رسمی مجوز واردات خودرو همگی به افزایش تقاضای حواله ارزی و زمینه‌ساز حاکم شدن انتظارات افزایشی بر بازار ارز منجر شد و از آنجا که به دلیل مهلت‌های قانونی و امکان تخلف از الزام به پیمان‌سپاری ارزی (عدم بازگرداندن ارز) یا حتی وصول یا تاخیر ارز حاصل از صادرات توسط صادرکننده (مثلاً صادرات خدمات فنی و مهندسی)، الگوی زمانی بازگشت ارز حاصل از صادرات، منطبق با الگوی زمانی صادرات کالا و خدمات نیست، توجه صرف به کسری حساب جاری تراز پرداخت‌ها می‌تواند در بررسی وضعیت ارزی کشور سوءبرداشت ایجاد کند. به عبارت روشن‌تر، با فرض اینکه کسانی که تاکنون

نوسانات نرخ ارز منجر شد. ایجاد چشم‌انداز مثبت در بازدهی دارایی‌های داخلی نسبت به دارایی‌های خارجی، مستلزم ارتقای کیفیت حکمرانی اقتصادی یا ایجاد افق مثبت در روابط بین‌المللی از طریق تعریف و ایفای نقش جدید در عرصه جهانی است. به رغم اهمیت حیاتی این موارد برای ثبات و پیش‌بینی‌پذیر ساختن نرخ ارز، راه‌حل‌های مربوطه یا کوتاه‌مدت نیست (ارتقای الگوی حکمرانی اقتصادی) یا خارج از حیطه سیاست‌گذاری ارزی بوده و بیشتر به حوزه سیاست خارجی کشور مرتبط می‌شود.

نقش سیاست‌های ارزی و تجاری در نوسانات اخیر نرخ ارز
یکی از دغدغه‌های کارشناسان اقتصاد از نیم‌سال اول سال گذشته، افزایش رشد واردات و منفی شدن حساب جاری تراز پرداخت‌ها بود. حجم بیشتر ثبت سفارش‌های تایید شده در سامانه جامع تجارت نسبت به سال گذشته در کنار حساب جاری منفی حاکی

که صادرکننده بازگشت ارز خود به چرخه اقتصادی را به تعویق می‌اندازد، به معنای افزایش مقطعی خروج سرمایه است. در واقع خروج سرمایه، به معنای خروج مرزهای جغرافیایی کشور نیست، بلکه به معنای خروج از چرخه اقتصاد است. هرچه دارایی‌ها و سرمایه‌های داخلی از بازده کمتر و ریسک بیشتری در نسبت با سرمایه‌ها و دارایی‌های خارجی برخوردار باشد، تقاضای خروج سرمایه افزایش می‌یابد. نظر به ماهیت دارایی‌گونه ارز، افزایش ریسک‌ها و نااطمینانی‌ها به‌سرعت در نرخ ارز منعکس می‌شود. سفرها و اقدام‌های ابتدای نیم‌سال دوم سال گذشته، سفرها و اقدام‌های مقامات آمریکایی به کشورهای منطقه برای اعمال فشار بیشتر به ایران، تحریم‌های جدید وضع شده علیه برخی نهادها و اشخاص ایرانی و سایر علامت‌ها و خبرهایی که فعلاً اقتصادی درباره عدم بهبود روابط بین‌المللی دریافت کردند از طریق افزایش خروج سرمایه (اعم از فرار)، از عواملی است که به افزایش

اگرچه ناترازی‌های اقتصاد کلان به روند صعودی نرخ ارز منجر می‌شود اما نمی‌تواند همه فرازونشیب‌های آن را توضیح دهد. به عبارت دقیق‌تر، تردیدی نیست که سیاست‌های ارزی بانک مرکزی و نااطمینانی‌های ناشی از تحولات بین‌المللی و داخلی در نوسانات نرخ ارز حول روند موثر خواهد بود. البته باید به این موارد نوسانات فصلی ناشی از نزدیک شدن به پایان سال مالی میلادی و سایر عوامل مربوط به افزایش نوسانات فصلی نرخ ارز را نیز اضافه کرد.

افزایش عدم اطمینان و خروج سرمایه
به طور معمول و به استثنا، خروج سرمایه به فرار سرمایه به شکل انتقال دارایی‌ها و سرمایه به خارج از کشور نسبت داده می‌شود، در حالی که خروج سرمایه اعم از فرار سرمایه بوده و افزایش نگهداری دارایی‌های خارجی را نیز شامل می‌شود. برای مثال، زمانی که نگهداری اسکناس ارز و طلا در داخل مرزهای کشور افزایش می‌یابد، خروج سرمایه رخ داده است. زمانی